**تاثیرپذیری اشعار جنونی اردبیلی از فرهنگ و معارف اسلامی**

**منصور علی زاده بیگدیلو؛ دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی**

**Email: shang.m90@gmail.com**

**چکیده**

پس از ظهور اسلام و گسترش آن در ایران، شعر فارسی تاثیرات فروانی از آن پذیرفت. هرچه از صدر اسلام فاصله می­گیریم این اثرپذیری در آثار ادبی بیشتر خودنمایی می­کند؛ تا این که در قرن هفتم و هشتم به اوج خود می­رسد. پس از این دوران نیز همچنان نشانه­های تاثیرات قرآن و حدیث در شعر پر رنگ است. جنونی اردبیلی از شاعران گمنام سبک هندی در قرن دوازدهم است که اشعارش از سویه­های مختلف تحت تاثیر آموزه­های اسلام و اعتقادات مذهب شیعه بوده است. بررسی دیوان وی که که با روش توصیفی- تحلیلی انجام پذیرفته، در پنج بخشِ «واژه­ها یا کلمات خاص»؛ «اشاره به نام اشخاص معروف جهان اسلام»؛ «اصطلاحات، تعبیرات و مفاهیم عرفانی»؛ «مفاهیم مرتبط با آموزه­های اسلامی»؛ «اشاره به داستان­ها، آیات و روایات»، مورد دقت نظر قرار گرفته است. این بررسی با هدف تعیین نقش فرهنگ و معارف اسلامی در غنای شعر وی نشان داد که بخش قابل توجهی از اشعار وی تحت تاثیر این منبع فکری-فرهنگی بوده است؛ به شکلی که فقدان این تأثرات به صورت جدی از غنای شعرهای وی خواهد کاست.

**کلیدواژه­ها:** تاثیرپذیری، فرهنگ اسلامی، قرآن، جنونی اردبیلی.

1. **مقدمه**

**1-1 ظهور اسلام و تحول در ادبیات فارسی**

با ظهور اسلام و به تبع آن رشد حرکت­های فکری در جوامع اسلامی تحولات چشمگیری در نوع نگرش مردم به وقوع پیوست. اسلام با شعار برابری و برادری به سرعت، دل­های مردمان گرفتار در اختلافات طبقاتی را تسخیر کرد. در این میان ایرانیان نیز جزو مردمانی بودند که با اسلام و تعالیم آن آشنا شدند. راهیابی فساد در میان موبدان زرتشتی و مال­اندوزی آنان، و نیز وجود تقسیم­بندی­های طبقاتی در دورة ساسانی(خسروی، 1381: 18) باعث شد تا اسلام با شعار «ان اکرمکم عند الله اتقیکم» به زودی جان و دل ایرانیان را تسخیر کند؛ این تاثیرات تا بدانجا پیش رفت که آنان اهداف خود را به شکل قابل توجهی با آموزه­ها و احکام جدید تعیین کردند. یکی از آموزه­های مورد تاکید در اسلام که بارها در بیانات مختلف رسول اکرم «ص» بدان اشاره شده، اهمیّت علم و پرداختن به علوم بوده است. آن حضرت فضیلت علم را محبوب­تر از فضیلت عبادت می­دانست.[[1]](#footnote-1) در پی این ارزشگذاری و آشنایی و نهادینه شدن این قبیل موارد در بین ایرانیان، تاثیرات آن پس از چند قرن در آثار علمی و ادبی آنان آشکار شد. فرهنگ اسلامی برگرفته از مفاهیم والای قرآن کریم و احادیث رسول اکرم «ص» و ائمّه­ی اطهار «ع» می­باشد، لذا مفاهیمی که به وسیله­ی ادبا و فضلای ایرانی از این دو دریای بی­کران به وام گرفته شد موجب غنای بیشتر آثار خلق شده گردید. بهره­گیری از این منابع به دو دلیل انجام می­شد: نخست آن­که قِداست و ارزش مذهبی و معنوی قرآن و حدیث به آثار پدید آمده نیز نوعی قِداست و حرمت ارزانی می­کرد و نظر مردم را که به قرآن و حدیث به دیده­ی احترام می­نگریستند نسبت به آثارشان پذیرفتنی و قابل احترام می­ساخت. (راستگو،1390: 5) دیگر آن­که قدما یکی از راه­های پرورش استعداد ادبی خود را پیش از هر چیز عادت دادن خود به خواندن کلام وحی و اخبار حضرت رسول و آثار مربوط به صحابه می­دانستند. (نظامی عروضی، 1380: 22)

هرچه از صدر اسلام فاصله می گیریم، شاعران فارسی به جهت آشنایی روز افزونشان با فرهنگ و معارف اسلام، تاثیرپذیری­شان از این فرهنگ نیز نمود بیشتری می یابد، تا این که در سبک عراقی این امر به اوج خود می رسد. پس از این دوره و با ظهور سبک هندی که مصادف است با حکومت صفویان، در کنار مواردی که در دوره­های قبل نیز می­توان آن­را مشاهده کرد، مفاهیم مربوط به مذهب شیعه در شعر پر رنگ­تر می شود. به نوعی که «کمتر شاعری را در این دوره توان یافت که قصیده یا ترکیب و ترجیعی در ستایش پیامبر اسلام و امامان شیعه نسروده باشد» (صفا، ج،1388: 622).

**1-2 جنونی اردبیلی**

جنونی اردبیلی، از شاعران نیمه دوم قرن یازده و نیمه اول قرن دوازده و در زمره شاعران سبک هندی است که گمنام مانده است. اطلاع دقیقی از نام، تاریخ ولادت و وفات وی در دسترس نیست(هادی انداب، 1394: 1). همان طور که از اشعار او استفاده می­شود، دیوانش شامل غزلیات، قصائد، ترجیع و رباعیات و در حدود 3254 بیت است (موسوی اردبیلی، 1378: 143). جنونی به دو زبان فارسی و ترکی شعر گفته است و دیوانش علاوه بر موارد گفته شده جنگ نامه ترکی او را نیز در بر دارد. موضوع اشعار او عشق و عرفان، مباحث اخلاقی و پند و اندرز و مدح را شامل می­شود(هادی انداب، 1394: 5). در پژوهش حاضر در صدد هستیم تا اشعار وی را از حیث اثرپذیری از فرهنگ و معارف اسلامی مورد ارزیابی قرار داده و سهم آموزه­های شیعه را در این بین مشخص کنیم.

**3-1 پیشینه تحقیق**

در خصوص جنونی اردبیلی، به جز مقاله­ای با عنوان «جستجو در احوال و آثار جنونی اردبیلی و گردهمایی شعرای ادب فارسی»، که به وسیله رحیم هادی انداب جدید انجام پذیرفته و در دهمین همایش بین المللی ترویج زبان و ادب فارسی به چاپ رسیده تحقیق خاصی صورت نپذیرفته است. وی در این مقاله ضمن معرفی شاعر و اشعار او به تصحیح مخمسی از وی پرداخته است. با توجه به موضوع پژوهش یاد شده، تحقیق حاضر که جنبه­هایی از تاثیرپذیری جنونی از فرهنگ اسلامی را مورد بررسی قرار می­دهد در نوع خود قابل توجه خواهد بود.

**4-1 روش تحقیق**

در مقاله حاضر که به روش توصیفی- تحلیلی انجام می­پذیرد، نگارنده در صدد است تا با تقسیم بندی تاثیرات فرهنگ اسلامی در پنج بخش زیر و یافتن نمونه­های هر یک ازبخش­ها از دیوان جنونی اردبیلی، آن­ها را مورد ارزیابی قرار داده و توضیحات و تحلیل لازم را ارائه دهد:

* واژه­ها یا کلمات خاص؛
* اشاره به نام اشخاص معروف جهان اسلام؛
* اصطلاحات، تعبیرات و مفاهیم عرفانی؛
* مفاهیم مرتبط با آموزه­های اسلامی؛
* اشاره به داستان­ها، آیات و روایات.

1. **تحلیل و بررسی نمونه ها**

تاثیراتی که ظهور یک پدیده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در شعر و نثر یکدوره می­گذارد را می­توان در سه بخش زبانی، فکری و ادبی مورد ارزیابی قرار داد. تاثیری که ظهور اسلام به عنوان یک پدیده فرهنگی- دینی که ابعاد سیاسی و اجتماعی مهمی نیز در پی داشت را از لحاظ این سه بخش می­توان مورد ارزیابی قرار داد؛ لکن به جهت این­که دیوان مورد بررسی مربوط به سده دوازدهم می باشد و تحول بُعد ادبی آن دوره دلایل خاص خود را دارد؛ در پژوهش حاضر تلاش می­کنیم تا از نظر زبانی و فکری به بررسی اشعار جنونی بپردازیم و میزان تاثیر اسلام و فرهنگ اسلامی در این خصوص را در پنج بخش[[2]](#footnote-2) یاد شده داوری کنیم.

**2-1 واژه­ها یا کلمات خاص**

واژه­ها و کلمات خاص در بیان و گفتار ما نشانگر اثراتی است که ما از محیط اطراف می­پذیریم. زبان شاعران نیز از این امر مستثنی نیست. علاوه بر تاثیراتی که محیط و جغرافیای شاعر بر زبان و نوع استفاده از کلمات آن می­گذارد، باورهای دینی و آشنایی با معارف مذهبی نیز در شکل­گیری آن موثر است. پس از گسترش اسلام در ایران، آشنایی شاعران با معارف اسلامی در زبان و واژه­های مورد استفاده در آن نیز تاثیر گذاشت و این امر تا به امروز نیز ادامه داشته است. شاعران سبک هندی نیز هرچند از لحاظ زبانی، ادبی و فکری، نسبت به دوره­های قبل تغییرات قابل توجهی در شعر به وجود آوردند اما واژه­های مرتبط با اسلام در آثار آن­ها نیز به وفور یافت می­شود.

به نمونه های زیر توجه کنید:

در آیه چهارم سوره اخلاص خداوند خود را بی­همتا و بی­مانند معرفی می­کند: «و لم یکن له کفوا احد»(4/ اخلاص) و ترکیب وصفی «ذات بی­همتا» ترجمه «کفوا احد» در این آیه شریفه است که در زبان شاعران نیز منعکس شده است:

چو دریا از تحرک بر تموج منتهی گردد تعدّد گشت پیدا در صفات ذات بی همتا (غ1، ص77، بیت سوم)

«قضا و قدر از عقاید قطعى اسلامى است»(قضا و قدرhttp://fa.wikifeqh.ir/) و باورهای مختلفی در خصوص آن وجود دارد. بحث از قضا و قدر بیشتر در مباحث کلامی مورد توجه قرار گرفت و به تبع آن وارد شعر فارسی هم شد. کلمه «تقدیر» در بیت زیر نمونه­ای از کاربردهای این دو اصطلاح در شعر است:

هر آن سری که در وحدت سرای غیب مخفی بود به لوح کائنات از منشی تقدیر شد انشا (همان : بیت 4)

از واژه­هایی که پس از ظهور اسلام مورد توجه قرار گرفت می­توان به صفات خداوند اشاره کرد که در اشعار شاعران فارسی زبان نیز نمود یافته است. «احد» در بیت زیر یکی از این صفات است که در آیه اوّل سوره اخلاص هم ذکر شده است. سخن از ذات خداوندی مبحث دیگریست که در اشعار فارسی و به تبع مفاهیم قرآنی وارد شعر فارسی شد:

احد زان کرد دل مشرق طلوع میم احمد را که نشناسد کسی از ذات حق ذات محمد را (غ3، ص78، بیت 1)

«وحدانیت» از مشتقات «احد» در بیت زیر نیز آمده است:

شب معراج باز احمد مجرد شد ز میم ار نی به وحدانیت او نیست ره مطلق مقیّد را (همان: بیت2)

کلمه «شهادت» در نمونه زیر، مورد دیگری است که در جوامع اسلامی زیاد از آن استفاده می­شود و اشعار جنونی نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. در کتاب «معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه»، در معنی این واژه چنین می­خوانیم: «صيغة مبالغة في الشاهد، و يقال: للمشاهد للشي‌ء - و الشهيد: اسم من أسماء اللّه الحسنى، قال اللّه تعالى: إِنَّ اللّهَ كانَ عَلى كُلِّ شَيْ‌ءٍ شَهِيداً (سورة النساء، الآية 33) - و الشهيد: من قتل في سبيل اللّه»(عبدالمنعم، ج2، 1419: 346). با توجه به تعریفی که از این واژه ارائه شد، پر واضح است که این کلمه در فرهنگ اسلام و قرآن کلمه­ای مهم و قابل توجه بوده است:

کلام شکّرینش گر نمی شد خضر خودبینان شهادت شهد یکتایی نمی بخشید اشهد را (غ3، ص78، بیت 3)

«کعبه» به عنوان قبله­گاه مسلمانان نیز مورد توجه جنونی بوده و مثل نمونه زیر بارها در دیوان وی از این واژه استفاده شده است:

در کعبه نقش پای تو محراب ساختن از بهر عمر رفته پشیمانی من است (غ27، ص 101، بیت2)

همچنین کلمه «کعبه»، در بیت­های دیگری نیز ذکر شده است: (غزل44، بیت1، ص116)، (غزل4، بیت1، ص124)، (غزل58، بیت4، ص126) و (غزل60، بیت2، ص127).

نمونه­های دیگر:

**فیض الهی** (غزل125، بیت1، ص187)؛ **قربانگه** (غزل126، بیت5، ص188)؛ **لوح و قلم** (غ3، بیت4، ص78)؛ **معراج و قیامت** (همان، بیت7)؛ **کبریا** (غزل133، بیت2، ص195)؛ **معراج** (غزل27، بیت4، ص101)؛ **مهر نماز** (غزل33، بیت1، ص106)؛ **روز حشر** (غزل58، بیت3، ص126)؛ **لیله القدر** (غزل151، بیت3، ص213)؛ **کربلای قلب دل و شهادتگاه** (غزل173، بیت7، ص234)؛ **آیه لیل و سوره شمس و قرآن** (غزل176، بیت3، ص236)؛ **اسلام** (غزل177، بیت4، ص237)؛ **مسجد** (همان، بیت6)؛ **مسلمان** (غزل207، بیت4، ص265)؛ **قرآن و تفأل** (همان، بیت8)؛ **صحرای کربلا** (غزل208، بیت2، ص266).

**2-2 اشاره به نام اشخاص معروف جهان اسلام**

ذکر نام شخصیت­های معروف اسلامی، یا اشاره به آن­ها با ذکر حوادث مرتبط با حیاتشان، امری است که پس از گسترش اسلام در ایران، وارد شعر فارسی شده و تا امروز هم ادامه داشته است. در اشعار جنونی نیز از شخصیت­ها مهی نام برده شده که شاعر با اشاره به نام یا داستانی از زندگی آن فرد به بیان مفهومی اقدام کرده و به آفرینش مضمونی دست زده است. به نمونه­های زیر توجه کنید:

احد زان کرد دل مشرق طلوع میم احمد را که نشناسد کسی از ذات حق ذات محمد را (غزل3، بیت 1، ص78)

در بیت بالا شاعر با آوردن نام رسول مکرم اسلام، مضون آفرینی کرده است. مضامینی از این دست رهاورد آشنایی جنونی با اسلام، معارف اسلامی و شخصیت­های جهان اسلام است. در بیت زیر نیز صفت «شاه ولایت» که مراد از آن امیرالمومنین علی (ع) است ذکر شده:

ستون خیمه دین هیچ دانی چیست امت را به دل حالی نمودن پایه شاه ولایت را (غزل4، بیت1، ص79)

و در نمونه زیر نام آن ­حضرت به شکل کامل آمده است:

محیط مرکز عرفان علی ابن ابیطالب که چون او آقتابی نیست ممکن برج همّت را (همان، بیت2)

در دو بیت زیر از صفت «شاه نجف» برای اشاره به آن حضرت استفاده کرده است:

ای جنونی یاد خوبان مایه روشندلی است سایه شاه نجف شمع مزارم آرزوست (غزل39، بیت6، ص113)

مبند لب چو جنونی ز مدح شاه نجف که هست گمشده دائم به رهنما محتاج (غزل82، بیت7، ص149)

نام مبارک سیدالشهدا، امام حسین (ع)، که نهضت ایشان بر پیشانی تاریخ اسلام نقش بسته است زینت بخش بخشی از اشعار جنونی اردبیلی شده است؛ از آن جمله است در بیت زیر که به جایگاه والای آن حضرت در نزد باری­تعالی و بخشیدن گناه شاعر به برکت مدح آن حضرت اشاره شده است. وجوب بهشت برای کسی که يك بيت شعر در مصيبت حضرت امام حسين عليه السّلام خوانده و خود بگريد (ابن قولویه، 1377: 299)، اساس اندیشه­ای است که جنونی در بیت زیر آن­را مطرح می­کند:

ای جنونی چه غم از پرسش محشر که تو را جرم بر مدح حسین بن علی بخشیدند (غزل98، بیت11، ص163)

حسین بن منصور حلّاج از عارفان مشهور ایران و شخصیت­های مهم عرفان اسلامی است که انا الحق می­گفت (شمیسا، 1389: 265). جنونی در بیت زیر نام و سخن معروف او را آورده است:

گوشه­گیران را انا الحق هست از حق بی­گمان این کمان در بند سعی چلّه منصور نیست (غزل41، بیت2، ص114)

نمونه­های دیگر:

شاه خراسان (غزل140، بیت10، ص203)؛ کربلا (رباعی6، بیت1، ص381)؛ حسین بن علی (رباعی7، بیت1، ص381)؛ سر حسین (رباعی8، بیت1، ص382)؛ خون حسین (رباعی9، بیت2، ص382)؛ حسین بن علی (رباعی10، بیت2، ص382)؛ با آوردن «کربلا» به امام حسین «ع» اشاره کرده است (رباعی11،12و14، بیت1، ص382 و 383)؛ حسین «ع» (رباعی13، بیت1، ص382)؛ مهدی صاحب الزمان (ترجیع بند1، بیت48، ص369)؛ همچنین در قصیده اوّل خود به مدح حضرت علی «ع» می­پردازد (قصیده1، ص321)؛ قصیده سوّم نیز در مدح سیدالشهدا و سلطان الاولیا حسین بن علی «ع» سروده شده است (قصیده3، ص334).

**2-3 اصطلاحات، تعبیرات و مفاهیم عرفانی**

تصوف به عنوان فرقه­ای از فرق مذهب اسلام بعد از قرن دوم هجری ظهور کرد و بعدها به سبب آرای خاصی که در آن به وجود آمد به صورت مکتبی علمی درآمد(گوهرین، جلد1، 1376: یک). اصطلاحات و تعبیرات آنان، در آثار ادبی فارسی، به خصوص آثار شاعران و نویسندگان متاثر از این گروه به شکل قابل توجهی وارد شده است. دقت در دیوان جنونی اردبیلی نشان می­دهد که اصطلاحات و مفاهیم عرفانی در اشعار او نیز راه پیدا کرده و به شور و هیجان شعر وی افزوده است. این کاربرد در پژوهش پیش رو به عنوان بخشی از تاثیرپذیری­های او از آموزه­های اسلامی در نظر گرفته می­شود. به نمونه­های زیر توجه کنید:

اصطلاحات:

خوف «در اصطلاح توقع حلول مکروه یا فوات محبوب است. و در نزد ارباب سلوک شرم از معاصی ومناهی و تألم از آن»(گوهرین، جلد5، 1380: 180) و رجاء «تعلق دل است به رسیدن و به دست آمدن محبوب در آینده و طمع به آینده»(همان، جلد6: 13). این دو اصطلاح عرفانی پرکاربرد در بیت زیر آمده است:

هر نقطه که در محیط هستی پیداست سرگردان دایره خوف و رجاست رباعی (رباعی17، بیت1، ص383)

یکی دیگر از اصطلاحات پرکاربرد در عرفان و تصوف، «حیرت» و سرگردانی است که در اصطلاح صوفیان به امری ناگهانی اطلاق می­شود که هنگام تأمل و حضور و تفکر در دل وارد شده و صوفی عارف را از تامل و تفکر بازمی­دارد(گوهرین، جلد1، 1376: 321). در نمونه­های زیر به این دو اصطلاح هم اشاره شده است:

آیینه روی تو به حیرانی من نیست این طوطی گویا به سخندانی من نیست (غزل24، بیت1، ص98)

هر نقطه که در محیط هستی پیداست سرگردان دایره خوف و رجاست رباعی (رباعی17، بیت1، ص383)

از دیگر اصطلاحات عرفانی که در بیت زیر نیز ذکر شده، «جلوه» است که در اصطلاح «خروج بنده است از خلوت بنعوت الهی هنگامیکه جسم و اعضاء او محو شود از انانیّت و اعضاء بحق مضاف گردد بدون حق»((گوهرین، جلد4، 1368: 49). به نمونه زیر توجّه کنید:

چو از خلوت به صحرا جلوه­گر شد حسن بی­پروا به سر هر ذره را سودای شور عشق شد پیدا (غزل1، بیت1، ص77)

استغنا «در اصطلاحِ صوفیان بی­نیازی است که هر دو جهان در جنب آن به شمار ذره­ای هم در نیاید»(گوهرین، جلد2، 1376: 250). جنونی در نمونه زیر از این اصطلاح هم در کنار اصطلاح نقّاش که عبارت است از صور ارواح اسرار، ذات حق تعالی(سجادی، 1383: 770) استفاده کرده است:

در این آیینه چون عکس جمال خویش می بیند ز معشوقی نماید بر نیاز خویش استغنا

جنونی مدعا زین نقشها نبود به جز نقّاش خدا را هر که می­خواهد نگردد مایل دنیا (همان، بیت6و7)

اصطلاح «جمعیت» به معنی اجتماع همت­ها به باری­تعالی و دل کندن از غیر او(گوهرین، جلد1، 1376: 68) و اصطلاح «زلف» که «اشارت است به تجلی جلالی در صور جسمانی و صفات خداوندی»(گوهرین، جلد6، 1380: 169) و از آن به کثرت نیز تعبیر شده، از موارد پرکاربرد در بیان شاعران فارسی زبان هستند که در بیت زیر نیز آمده­اند:

آشفتگیش باعث جمعیت دلهاست آن زلف پریشان به پریشانی من نیست (همان، بیت 5)

مفاهیم:

سخن در باب جمع بین وحدت و کثرت مبحث ظریفی است که در آرای صدرالمتالهین به آن پرداخته شده است، به طور خلاصه باید گفت که وی «در تبیین این نکته که چگونه وحدت با کثرت جمع می‌شود و اینکه چگونه می‌توان گفت یک حقیقت وحدانی،‌ متکثر است، از این وحدت، به وحدت سریانی تعبیر می‌کند؛‌ نوعی وحدت که نه تنها در مقابل کثرت و غیر قابل جمع با آن نیست، بلکه حقیقتی است که می‌تواند کثرت را هم در خود جمع کند، یعنی در عین حال که واحد است، کثیر هم می‌تواند باشد. در واقع،‌ تبیین وحدت سریانی وجود، بدون پذیرش کثرت موجودات، امکان‌پذیر نیست. به عبارت دیگر، باید کثرتی موجود باشد تا وحدت در آن سریان داشته باشد. در قالب مثال می‌توان یک شعاع نور را در نظر گرفت که به تدریج که از منبع دور می‌شود، از انرژی آن کاسته شده، ضعیف‌تر می‌شود و لذا دارای مراتب مختلف و متکثری می‌گردد»(حسنی، 1385: 8). جنونی در سه بیت زیر با طرح مسئله افاضه وجود به موجودات از جانب حق تعالی، به مفهوم وحدت در کثرت نیز اشاره می­کند:

ز رخ شمعی نقاب افکند در آیینه­زار جسم که شد پیدا چراغان وجود از جنبش اشیا

چو دریا از تحرک بر تموج منتهی گردد تعدد گشت پیدا در صفات ذات بی همتا

هر آن سرّی که در وحدت سرای غیب مخفی بود به لوح کائنات از منشی تقدیر شد انشا

(غزل1، بیت1تا 4، ص77)

آینه­داری موجودات و آیت حق بودن آنان مفهوم دیگری است که در مباحث عرفانی زیاد از آن سخن به میان آمده؛ توجه به این موضوع ریشه قرآنی دارد و برای مثال در آیه 164 سوره بقره[[3]](#footnote-3) نیز از انواع موجودات به عنوان نشانه­ای برای عاقلان جهت شناخت خدا یاد شده است. نمونه زیر نیز به همین امر اشاره می­کند:

یک ذره نیست کاینه دار رخ تو نیست حیران کار خویش بد دادخواه تو (غزل241، بیت4، ص296)

دعا و طلب به همراه ناله و اظهار نیاز به درگاه محبوب ازلی، از سنت­های عرفانی محسوب می­شود. «خواندن خاضعانه و خاشعانة بنده، حقیقت دعا است. اما این خواندن حتی اگر همراه با بیان حاجت و نیازمندی هم نباشد و حتی اگر به لفظ و زبان نیز جاری نشود، در باطن خود فقر و نیازمندی بنده را متجلی نموده و قابلیت او را برای طلب فیض الهی متحقق میسازد»(پورطولمی، 1393: 28). جنونی در ابیات زیر ضمن اظهار نیاز به معشوق از او تمنای تجلی دارد:

از اشک چشم تخم کرم سبز می­شود نشو و نما کنند در این آب دانه­ها

شد در عجم حصار جنونی ز ناله راست ای حسن تو ترانه طراز (غزل2، ابیات5و6، ص 78)

شاعر در غزل3 با نگاهی عرفانی معراج حضرت رسول اکرم «ص» را مورد توجه قرار داده و از فنای در حق بودن آن حضرت در ضمن اشاره به نام مبارکشان سخن به میان می­آورد و معتقد است دلیل اینکه حرف میم در وسط کلمه احمد آمده، آن است که خداوند خواسته با این امر جدا ناپذیر بودن ذات حق با ذات حضرت محمد «ص» را نشان دهد؛ زیرا وجود آن حضرت در وجود حضرت حق فانی بود. شاهد مثالی هم که برای این مدعا می­آورد معراج پیامبر اسلام است که حتی فاصله اندکی که احد با احمد به یک حرف «م» دارد در آن­جا برداشته می­شود و رسول اکرم «ص» می­تواند با خداوند صحبت کند؛ در صورتی که این فیض حضور در بارگاه وحدانیت باری تعالی نصیب هیچ موجود مقیدی نمی­شود:

احد زان کرد دل مشرق طلوع میم احمد را که نشناسد کسی از ذات حق ذات محمد را

شب معراج باز احمد مجرد شد ز میم ار نی به وحدانیّت او نیست ره مطلق مقیّد را (غزل3، بیت 1، ص78).

نمونه­های دیگر:

**منزل، سالک** (غزل15، بیت2، ص90)؛ **قطره[[4]](#footnote-4) و دریا، واصل، سیل، برقع گشودن که اشاره به تجلّی حضرت حق دارد،** **خال،** **گوهر و صدف، جام** (غزل6، بیت1و2و3و4و5و6، ص81)؛ **توکّل** (غزل19، بیت8، ص94)؛ **نخل تجلّی** (غزل220، بیت5، ص277)؛ **فنا، بقا و تجرّد** (غزل211، بیت6، ص269)؛ **استغنا، آیینه، جمع و حلقه زلف** (غزل202، بیت4و7و12، ص260)؛ **کعبه و بتخانه، سبحه و زنّار** (غزل200، بیت2، ص258)؛ **فنا و بقا** (غزل5، بیت3، ص80)؛ **تجلّی و نقاب گشودن** (همان، بیت4)؛ **وصل** (همان، بیت7)؛ **قفس و مرغ** (همان، بیت9)؛ **سفارش به دوری از مردم جهت بهره­مندی از شراب کمال**(غزل91، بیت3، ص156)؛ **دعوت به سکوت و تفکر** (غزل19، بیت6، ص94)؛ **طلب مدام داشتن** (غزل9، بیت6، ص85)؛ **نقش بلا و مشکلات طریق در وصال به معشوق[[5]](#footnote-5)** (همان، بیت11)؛ **سالک در طریق سلوک بایستی قدم بر روی منیّت، مادیّات و نفسانیّات خود بگذارد** (غزل239، بیت3، 294 و غزل221، بیت1و9، ص278).

**2-3 مفاهیم مرتبط با آموزه­های اسلامی**

جدایی از خودپرستی و حذر از گرفتاری در بند تعلقات مادی و معنوی جزو سفارشات مهم در آموزه­های اخلاقی اسلام است که در بیت زیر به آن اشاره شده و لازمه انعکاس نور الهی در دل بندگان، جدایی از این رذیله دانسته شده است:

تا تو از خویشتن جدا نشوی دلت آیینه خدا نشود (غزل133، بیت4، ص195)

همچنان­که در قرآن مجید خداوند حکیم پس از یاد دادن اسماء به حضرت آدم به ملائکه دستور می­دهد تا به وی سجده کنند (31، 32، 33، 34/ بقره)؛ لازمه مسجود ملائک شدن بنی آدم نیز رسیدن به کمال انسانی است. شاعر در بیت زیر، این امر را به خوبی بیان می­کند:

به هر که مرتبه آدمی تمام کند ملک سجود نماید فلک سلام کند (غزل91، بیت1، ص156)

عیسی وقتی ز شب خیزی مشو بیمار ای گل خندان بیداری چرایی خوار خواب» (غزل17، بیت1، ص91)

بیت فوق و تمامی ابیات غزل 17 که در مذمت غفلت و خواب زیاد سروده شده است را هرچند می­توانستیم ذیل مبحث مربوط به مفاهیم و تعابیر عرفانی بیاوریم، به جهت هدف شاعر از سرودن آن که یافتن گنج زندگانی و غنیمت شمردن عمر ذکر شده و در روایات نیز به آن سفارش شده است، آن­را ذیل مفاهیم مرتبط با آموزه­های اسلامی ذکر کردیم. حدیث معروف از امام علی (ع) در خصوص غنیمت شمردن فرصت­ها: «الفُرصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحابِ ،فانتَهِزُوا فُرَصَ الخَير» (نهج­البلاغه، حکمت21) و سفارش به شب زنده­داری در قرآن مجید: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَى أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا» مویّد اهمیت جایگاه این دو خصیصه در آموزه­های اسلامی است.

کل غزل 4 با مطلع:

ستون خیمه دین هیچ دانی چیست امت را به دل حالی نمودن پایه شاه ولایت را (غزل4، ابیات1تا7، صص79و80)

تواضع که در کلام امیرالمومنین نیز مایه نایل شدن به بزرگی معرفی شده: «بِالتَّوَاضُعِ تَكُونُ اَلرَّفْعَةُ»(لیث واسطی، بی تا : ص187)، در بیان شاعر نیز مورد توجه قرار گرفته است:

گر خاک بر آستان شوی صدر شوی ور طی مراحل بکنی بدر شوی (رباعی28، ص385)

از مفاهیمی که در فرهنگ شیعه دارای اهمیت فراوان است و در آثار شاعران و نویسندگان شیعه نیز به نوعی نمود پیدا کرده، زیارت کربلا و یا ارجمندی آن سامان به برکت مرقد مطهر سیدالشهدا (ع) است. به طوری که فضائل فراوانی به زائران آن حضرت برشمرده­اند. حدیث زیر از امام صادق (ع) نمونه­ای از این احادیث است که ثواب اخروی زیارت کربلا را بهشتی شدن معرفی می­کند:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَلَائِكَةً مُوَكَّلِينَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ ع فَإِذَا هَمَّ الرَّجُلُ بِزِيَارَتِهِ أَعْطَاهُمْ ذُنُوبَهُ فَإِذَا أخطأ [خَطَا] مَحَوْهَا ثُمَّ إِذَا أخطأ [خَطَا] ضَاعَفُوا لَهُ حَسَنَاتِهِ فَمَا تَزَالُ حَسَنَاتُهُ تُضَاعَفُ حَتَّى تُوجِبَ لَهُ الْجَنَّةَ»(ابن بابویه، 1406: 91).

جنونی در رباعی زیر مجاور سیدالشهدا بودن در کربلا را مستحق رفتن به بهشت می­داند:

گر نیک به کربلا کند جا گر زشت گر اصل وی از کعبه بود گر ز کنشت

روز محشر ز خاک چون برخیزد بی پرسش حشر می­برندش به بهشت

(رباعی11، ص382)

قرآن مجید در ذکر اوصاف قیامت به گریختن برادر از برادر اشاره می­کند: (يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ»(34/ عبس)؛ در بیت زیر شاعر با ترجمه­ای از همین آیه مضمون آفرینی کرده است:

برادر از برادر گشت و فرزند از پدر بگریخت میان خلق عالم شد نمایان محشر کبری

(قصیده4، بیت15، ص331)

**2-4 اشاره به داستان­ها، آیات و روایات**

دیوان جنونی دربردارنده اشارات مختلفی به داستان­ها، آیات وروایات است که عمدتا ریشه­ای قرآنی دارند. ماجرای معراج حضرت محمد «ص» در آیه 1 سوره مبارکه اسراء و داستان خضر نبی و حضرت موسی (س) در آیات 79 تا 82 سوره مبارکه کهف ذکر شده که جنونی در دو بیت زیر به این دو داستان اشاره کرده است:

شب معراج باز احمد مجرد شد ز میم ار نی به وحدانیت او نیست ره مطلق مقیّد را

کلام شکّرینش گر نمی­شد خضر خودبینان شهادت شهد یکتایی نمی­بخشید اشهد را

(غزل3، ابیات 2و3، ص78)

در بیت زیر نیز با بیان دیگری به ماجرای معراج پیامبر اسلام اشاره شده است:

ارادت بهر آن کرسی­نشین لیله الاسراء مرصّع از جواهر ساخت این تخت زبرجد را

(غزل3، بیت7، ص79)

در نمونه زیر، منظور از «اشهد»، کلمه شهادتین است که تحت تاثیر باورهای اسلامیِ شاعر، وارد شعر او شده است:

کلام شکّرینش گر نمی­شد خضر خودبینان شهادت شهد یکتایی نمی­بخشید اشهد را

(غزل3، بیت3، ص78)

«کن» در بیت زیر برگرفته از واژه قرآنی «کن فیکون» است؛ آن­جا که می فرماید: «إِذا قَضی أَمْراً فَإِنَّما یقُولُ لَهُ کنْ فَیکونُ» (117/ بقره):

هنوز از حرف کن لوح و قلم در ساده لوحی بود که بر خود جلوه دادی شوکتش شأن مویّد را

(غزل3، بیت 4، ص 78)

«سدّ سکندر» در بیت زیر اشاره به داستان قرآنی «یأجوج و مأجوج» در آیات 93 تا 98 سوره مبارکه کهف دارد که جنونی به جهت آشنایی با این ماجرا از آن برای مضمون­آفرینی در شعرش بهره گرفته است:

بر نام خود طلسم نگویی ز عکس او آیینه شأن سدّ سکندر شکست و بست (غزل65، بیت4، ص132)

در نمونه زیر با بیان دیگری به این داستان اشاره می­کند:

سدّی است که غم بسته به یأجوج حوادث در آینه خاطر ما کرد کمالش (غزل155، بیت4، ص217)

علامه حلی در کتاب «نهج الحق و کشف الصدق» ضمن بیان فضایل امیرالمومنین به ماجرای شکستن بت­ها به وسیله حضرت علی (ع) به کمک پیامبر که برای این کار شانه خود را زیر پای امیرالمومنین نهاد، اشاره می­کند: «رَوَى الْجُمْهُورُ مِنْ عِدَّةِ طُرُقٍ‌ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص حَمَلَ عَلِيّاً حَتَّى كَسَرَ الْأَصْنَامَ مِنْ فَوْقِ الْكَعْبَةِ»(حلی، 1982: جلد1، 223). جنونی نیز با اشاره به این ماجرا در تعبیری بسیار زیبا این عمل را معراج آن حضرت معرفی می­کند و بدین طریق عظمت جایگاه دو بزرکوار را گوشزد می­کند:

اگر معراجش از دوش نبی باشد عجب نبود ندارد تاب دوش آسمان بار ولایت را (غزل4، بیت3، ص79)

او مهر مسیحی است که تابیده به ذرات او نار خلیلی است که اشیا شرر اوست

نمونه­های دیگر:

**نار خلیل** (غزل29، بیت3، ص103)؛ **طور، طور تجلّی** (غزل4، بیت6، ص79 و غزل5، بیت4، ص80 و غزل60، بیت7، ص128)؛ **خضر** (غزل5، بیت3، ص80 **و** غزل8، بیت7، ص84)؛ **خیمه لیلی** (غزل6، بیت3، ص81)؛ **مجنون** (غزل10، بیت7، ص86)؛ **مصر، کنعان، یوسف، پیراهن یوسف** (غزل7، بیت2و5، ص82)؛ **خضر راه، آب حیوان** (غزل11، بیت3، ص86)؛ **رابعه** (غزل8، بیت9، ص84)؛ **ضحّاک و مار** (غزل9، بیت9، ص85)؛ **کوهکن و بیستون** (غزل13، بیت6، ص88)؛ **عیسی** (غزل17، بیت1، ص91)؛ **شجر وادی ایمن، موسی و عصا** (غزل42، بیت3، ص114)؛ **صفایِ مروه که اشاره به مناسک حج دارد و یادآور داستان همسر حضرت ابراهیم «ع» است** (غزل60، بیت2، ص127)؛ **مور و سلیمان** (غزل94، بیت9، ص159)؛ **سجده ملک به آدم در صورتی که آدمی به مرتبه آدمی خود** **دست یابد**[[6]](#footnote-6) (غزل91، بیت1، ص156)؛ **صبح الست** (غزل74، بیت6، ص142)؛ **مُهر سلیمانی** (غزل 27، بیت5، ص101)؛ **آب بقا** (غزل30، بیت1، ص104)؛ **جلوه حضرت حق در همه جا جاری است** (غزل32، بیت9، ص106)؛ **محمود و ایاز** (غزل33، بیت3، ص107)؛ **اناالحق و منصور** (غزل41، بیت2، ص114).

**نتیجه­گیری**

مطالعه اشعار شاعران فارسی زبان نشان می­دهد که تاثیرات فرهنگ و معارف اسلامی در آن­ها قابل انکار نیست. همچنان­که بررسی اشعار جنونی اردبیلی در پنج بخشِ «واژه­ها یا کلمات خاص»؛ «اشاره به نام اشخاص معروف جهان اسلام»؛ «اصطلاحات، تعبیرات و مفاهیم عرفانی»؛ «مفاهیم مرتبط با آموزه­های اسلامی»؛ «اشاره به داستان­ها، آیات و روایات»، بیانگر آن است که بخش قابل توجهی از اشعار وی تحت تاثیر این منبع عظیم فکری- فرهنگی بوده است.

نمونه­های مربوط به «واژه­ها یا کلمات خاص» در دیوان جنونی بسامد بالایی دارد؛ تا آن­جا که ذکر همه موارد نیازمند تحقیق مستقلی است، به همین جهت تنها به ذکر برخی از نمونه­ها اکتفا شد. لذا از جهت واژگانی تاثیرات محل زندگی وی که از لحاظ دینی و مذهبی معروف بوده و از مراکز مورد توجه شاهان صفوی به شمار می­رفت، قابل توجه است. از جمله این واژه­ها عبارتند از: ذات بی همتا، تقدیر، احد، ذات حق، وحدانیت، شهادت، کعبه، معراج و قیامت، لیله القدر و ... .

نمونه­های بخش دوم با عنوان «اشاره به نام اشخاص معروف جهان اسلام» از آن جهت دارای اهمیت است که تعیین کننده مذهب و باورهای مذهبی وی است. بیشتر اشارات وی در این بخش به ائمه شیعه اثنی عشری مربوط می­شود که به سبب حاکم بودن جو شیعی در زمان شاهان صفوی امری طبیعی به حساب می­آید. از جمله این اشارات عبارتند از: محمد، شاه ولایت، علی ابن ابیطالب، شاه نجف، امام حسین (ع)، منصور، شاه خراسان، کربلا، مهدی صاحب الزمان و ... .

تحت تاثیر عرفان اسلامی، اندیشه، اصطلاح و تعبیرات عرفانی هم در شعر جنونی نمود پیدا کرده است. نمونه­های مربوط به «اصطلاحات، تعبیرات و مفاهیم عرفانی» در دو دسته اصطلاحات و مفاهیم مورد ارزیابی قرار گرفت که نشان از آشنایی وی با اصطلاحات و مفاهیم عرفانی دارد. در این نمونه­ها به اصطلاحاتی همچون: جلوه، استغنا، نیاز، حیرت، جام، فنا، بقا و ... ، و به مفاهیمی همچون طلب مدام، دوری از خلق، ترک منیت، اهمیت سکوت و اشتیاق به بلایا و ... اشاره شده است که همگی نشان از تاثرات اسلامی نمونه­های مورد نظر دارد.

نمونه­های مربوط به «مفاهیم مرتبط با آموزه­های اسلامی»، تنها بخشی است که نسبت به بخش­های دیگر از بسامد کم­تری برخوردار است، اما دیوان جنونی از این خصیصه نیز بی­بهره نبوده است. وی در این نمونه­ها به نهی مخاطب از خودپرستی و حذر از گرفتاری در بند تعلقات مادی، مقام انسان و مسجود ملائک شدن او، نکوهش غفلت و سستی و خواب زیاد و ... . اشاره کرده است. وجود مفاهیمی از این دست در اشعار جنونی به غنای مفهومی آن افزوده است.

«اشاره به داستان­ها، آیات و روایات»، آخرین بخش از تقسیم بندی نمونه­های اثرپذیری جنونی از فرهنگ غنی اسلامی است که بسامد زیاد و قابل توجهی نیز دارد. اشاره مواردی همچون درخت طور، آتش خلیل، ماجرای همسر حضرت ابراهیم، داستان یوسف پیامبر، ماجرای مور و سلیمان نبی و ... همگی نشان از تاثیرات فراوانی است که آموزه­های اسلام در شعر این شاعر داشته است.

در نتیجه با توجه به نمونه­های هر کدام از بخش­ها می­توان گفت که اثرپذیری شعر جنونی از فرهنگ و معارف اسلام و قرآن غیر قابل انکار است و حذف این نمونه­ها از دیوان وی موجودیت و غنای شعری آن را با مشکل مواجه خواهد کرد.

**منابع و مآخذ**

1. قرآن مجید
2. ابن بابویه، محمدبن علی. (1406). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال‌، چاپ دوم، دار الشريف الرضي للنشر: قم.
3. ابن شعبه، حسن بن علی. (1389). تحف العقول عن آل الرسول (ص)، ترجمه علی اکبر میرزایی، صالحان: قم.
4. ابن قولویه، محمدبن جعفر بن موسی. (1377). کامل الزیارات، ترجمه سید محمد جواد ذهنی، بی جا و بی نا.
5. پورطولمی، منیرالسادات. (1393). «دعا و طلب در عرفان نظری»، شماره14، دوره-، پژوهش نامه عرفان: تهران.
6. جنونی اردبیلی،. (1396). دیوان جنونی اردبیلی (جنگ نامه ترکی و اشعار فارسی)، مقدمه و تصحیح سعداله دنیوی مغانلو، یایلیق: اردبیل.
7. حسنی، سیدحمیدرضا. (1385). «وحدت و كثرت وجود در حكمت متعاليه و عرفان»، شماره3، دوره7، پژوهش­های فلسفی-کلامی: قم.
8. حلّی، حسن بن یوسف. (1982). نهج الحق و کشف الصدق، دار الكتاب اللبناني‌: بیروت.
9. خسروی، محمد رضا. (1381). سیر تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی، آن: تهران.
10. دشتی، محمد(مترجم). (1379). نهج البلاغه، چاپ دوم، افق فردا: قم.
11. راستگو، سید محمد. (1390). تجلّی قرآن و حدیث در شعر فارسی، چ هشتم، سمت: تهران.
12. سجادی، جعفر. (1383). فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، چاپ هفتم، طهوری: تهران.
13. شمیسا، سیروس. (1389). فرهنگ تلمیحات، چاپ دوم، میترا: تهران.
14. صفا، ذبیح الله. (1388). تاریخ ادبیات در ایران، ج1/5، چاپ سیزدهم، فردوس: تهران.
15. عبدالمنعم، محمود عبدالرحمن. (1419). معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه، دارالفضيلة: قاهره.
16. کلینی، محمدبن یعقوب. (1407). اصول کافی، جلد2، دار الكتب الإسلامية: تهران.
17. گوهرین، سید صادق. (1376). شرح اصطلاحات تصوف، جلد1و2، چاپ دوم، زوّار: تهران.
18. \_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_. (1368). شرح اصطلاحات تصوف، جلد4، زوّار: تهران.
19. \_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_. (1380). شرح اصطلاحات تصوف، جلد5و6، زوّار: تهران.
20. لیث واسطی، علی بن محمد. (بی تا). عیون الحکم والمواعظ، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث: قم.
21. موسوی اردبیلی، سید فخرالدین. (1378). تاریخ اردبیل و دانشمندان، چاپ دوم، شیخ صفی الدین: اردبیل.
22. نظامی عروضی، احمد بن عمر. (1380). چهار مقاله، به اهتمام محمد معین، چاپ دوازده، امیرکبیر: تهران.
23. هادی انداب جدید، رحیم. (1394). «جستجو در احوال و آثار جنونی اردبیلی و گردهمایی شعرای ادب فارسی»، دهمین همایش بین المللی ترویج زبان و ادب فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی: اردبیل.

1. فَضلُ العِلمِ أحَبُّ إلَيَّ مِن فَضلِ العِبادَةِ؛ (ابن شعبه الحرانی، 1389: 78). [↑](#footnote-ref-1)
2. اشاره به این نکته ضروری است که پنج بخش انتخابی برای بررسی شعر جنونی، همه مباحث مربوط به مختصات زبانی و فکری را شامل نمی­شود و ملاک عمل ما در این تقسیم بندی بر پایه گونه­گونی نمونه­های یافت شده استوار بوده است. [↑](#footnote-ref-2)
3. «انَّ فِی خَلْقِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلاَفِ اللَّیلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْکِ الَّتِی تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِمَا ینْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللّهُ مِنَ السَّماءِ مِن مَاءٍ فَأَحْیا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِیهَا مِن کُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِیفِ الرِّیاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَینَ السَّماءِ وَالْأَرْضِ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یعْقِلُونَ» (164/ بقره). [↑](#footnote-ref-3)
4. در این غزل قطره به عنوان ردیف در همه 9 بیت تکرار شده است. [↑](#footnote-ref-4)
5. این تعبیر که با توجه به حدیث «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا أَحَبَّ عَبْداً غَتَّهُ بِالْبَلَاءِ غَتّاً وَ ثَجَّهُ بِالْبَلَاءِ ثَجّاً، إِذَا دَعَاهُ قَالَ لَبَّيْكَ عَبْدِي لَئِنْ عَجَّلْتُ لَكَ مَا سَأَلْتَ إِنِّي عَلَى ذَلِكَ لَقَادِرٌ وَ لَئِنِ ادَّخَرْتُ لَكَ فَمَا ادَّخَرْتُ لَكَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ»(کلینی، 1407: 253). از معارف اسلامی محسوب می­شود به طور خاص در میان عارفان نیز مورد توجه بوده است؛ لذا در ذیل مفاهیم مرتبط با عرفان و تصوف به آن اشاره شد. [↑](#footnote-ref-5)
6. اشاره دارد به داستان سجده ملائکه به آدم در قرآن مجید. ← (آیه34/ سوره بقره). [↑](#footnote-ref-6)